

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

بزرگ‌بانوی روح من



گلی ترقی ۱۷ مهر ۱۳۱۸ در تهران دیده‌به‌جهان‌گشود. در ۱۹۵۴ پس از به پایان رساندن سیکل اول دبیرستان به آمریکا رفت. ۶ سال در آمریکا زندگی کرد و در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل شد و از آنجا که زندگی در آمریکا را دوست نداشت به ایران بازگشت.پس از بازگشت به‌داستان‌نویسی روی آورد. اولین مجموعه داستان گلی ترقی به نام «من هم چه‌گورا هستم» سال ۱۳۴۸ منتشر شد.پس از انقلاب به فرانسه رفت و در آنجا هم به نوشتن ادامه داد. یکی از داستان‌هایش به نام بزرگ‌بانوی روح من به فرانسه ترجمه شد و در سال ۱۹۸۵ به عنوان بهترین قصه سال در فرانسه برگزیده شد.

در نخستین داستان‌های گلی ترقی شخصیت‌هایبیمار، ناامید، ناتوان و تنها و منزوی هستند و از همه چیز بیم دارند، سرخورده‌اند و رابطه‌ای با اجتماع ندارند، چرا که اغلب مردم جامعه را نادان و سطحی می‌بینند. ترقی پس از سال ۱۳۵۷ داستان‌های تأمل‌برانگیزی مانند «بزرگ بانوی روح من»، «اتوبوس شمیران»، و «خانه‌ای در آسمان» را نوشت که نمونه‌های برجسته ادبیات داستانی معاصر ایران به‌شمار می‌روند. از دیگر آثار او می‌توان به این نامه‌ها اشاره کرد: خاطره‌های پراکنده، عادت‌های غریب آقای الف، جایی دیگر، خواب زمستانی و….

فیلم درخت گلابی به کارگردانی داریوش مهرجویی که در ۱۳۷۶ ساخته شد اقتباسی از داستان درخت گلابی گلی ترقی است.

داوران دوره اول جایزه هوشنگ گلشیری اثر بانو و پسرهایش، بزرگ بانوی روح من و درخت گلابی، از مجموعه جایی دیگر را به عنوان داستان برگزیده انتخاب کردند.

خودزنی / محیط زیست

مرگ آهوان در موته ادامه دارد

هفته‌ای که دارد رو به آخر می‌رود با مرگ دو آهوی ماده بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در جاده میان گذر پناهگاه حیات وحش موته اصفهان آغاز شد.

فرمانده بگان محیط زیست استان اصفهان در این باره گفت: این حادثه در طول شب رخ داده و محیط بانان صبح روز بعد متوجه لاشه آهوها در کنار جاده شده‌اند. مرتضی جمشیدیان اظهار داشت: خودروهای مربوطه نیز به دلیل عدم توقف پس از برخورد با آهوها شناسایی نشده‌اند.

پیش از این هم در ستون خودزنی، به این جاده و نقش فاجعه‌بار آن در از میان رفتن حیات وحش منطقه موته یادداشتی پرداخته بودم. همان‌طور که اغلب دوستداران محیط زیست و حیات وحش ایران می‌دانند عبور جاده آسفالت‌ه از میان پناهگاه حیات وحش موته این زیستگاه ارزشمند را به دو قسمت تقسیم کرده و ضمن ایجاد تلفات متعدد در حیات وحش بر اثر برخورد با خودروهای عبوری، ارتباط اکولوژیک میان دو سمت جاده را تا حد زیادی قطع و کنترل منطقه را نیز برای محیط بانان مشکل کرده است. به گزارش پایگاه خبری دیده‌بان حیات وحش: «از ابتدای تابستان سال جاری تاکنون ۱۰ آهو و ۲ گفتار بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در این محور تلف شده‌اند. به‌طور حتم موارد متعدد دیگری نیز از برخورد آهوان موته با خودروهای عبوری وجود داشته که حیوان بر اثر تصادف زخمی شده وپس از مدتی در گوشه‌ای از منطقه بر اثر جراحات وارده تلف شده است و لاشه تعدادی دیگر نیز توسط رانندگان خودروهای عبوری پس از تصادف برداشته شده است.

هفته گذشته استاندار اصفهان در جریان بازدید از پناهگاه حیات وحش موته از مسئولان دستگاه‌های متولی از جمله راه و شهرسازی خواست تا تمهیدات لازم برای ایمن سازی و کاهش خطرات جاده میان گذر پناهگاه حیات موته را بیاندیشند تا برخورد حیات وحش با خودرو و سایر آسیب‌های مربوط به جاده کاهش یابد که امیدواریم این دستورات هرچه سریع‌تر به مرحله اجرا درآید.»

خب طبق معمول وبه‌روال همیشه ما می‌دانیم مشکل چیست، راه حل آن را هم می‌دانیم، دستورات لازم درباره آن را نیز صادر کرده‌ایم اما هیچ ضمانتی برای اجرای این دستورات وجود ندارد. احتمالاً تا مسئولان وزارت راه و محیط زیست چاره‌ای برای این جاده بیاندیشند نسل آهوهاى منطقه موته روبه انقراض گذاشته و می‌توانیم جشن انقراض یک گونهٔ ارزشمند دیگر از حیات وحش ایران را برپا کنیم. یکی نیست پیرسد اصلاً چه ضرورتی داشته یکپارچگی پناهگاه حیات وحش موته را با احداث جاده‌ای غیرضروری از بین ببریم؟ واقعا هیچ جایگزین دیگری برای این جاده وجود نداشت؟ حالا خشت اول را کج گذاشته‌ایم و در جایی که نباید جاده ساخته‌ایم، رانندگان بی ملاحظه حتما باید با نهایت سرعت از چنین جاده‌ای عبور کنند؟

لطفاً به کسی برنخورد اما انقدر عصبانی ام که فکر می‌کنم شاید آموزش دادن به حیات وحش در باره چگونه عبور کردن از یک جاده مزاحم، آسان‌تر از این باشد که منتظر بمانیم تا مسئولان امر چاره‌ای برای این جاده بیاندیشند یا برخی رانندگان یاد بگیرند از چنین جاده‌هایی چگونه باید عبور کرد!



فارسی را پاس بداریم

ما را همه شب نمی برد خواب…

چندی پیش در صفحه دیپلماسی روزنامه‌وزین اعتماد آمده بود: «پیش از نشست صبح روز گذشته مشترک میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس ومهمان از واشنگتن آمده، شش وزیر در شامگاه یکشنبه باهم دیدار کردند تا در خصوص موضوعات مورد بحث در دیدار با رئیس دستگاه دیپلماسی آمریکا به تفاهم رسیده و البته اندکی هم مواضع متفاوت خود در خصوص پرونده‌های مورد بحث را به هم نزدیک‌تر سازند…» از آنجا که ظرفیت ستون زین قندپارسی تنها ۵۰۰ کلمه است، از قبل وبعد این مطلب صرف نظر می‌کنم. از همین چند خطی هم که ذکر شد، بیشتر به عبارت نامانوس «پیش از نشست صبح روز گذشته مشترک میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس و مهمان از واشنگتن آمده» کار دارم. به‌واژه «مشترک» در عبارت بالا دقت بفرمایید. مشترک در این عبارت صفت است اما جای قرار گرفتن آن به‌ما اجازه نمی‌دهد به درستی تشخیص بدهیم صفت کدام کلمه است. پرسش دیگرم در باره عبارت بالا این است که آیا «نشست»، «میان» دوتن یا چندتن برگزار می‌شود؟ مثلاً ما می‌گوییم: «در نشستی که میان من و همکارانم در تحریریه تابناک برگزار شد…»؟

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

غم‌نامه‌هایی از رنج و دوستی

نامه‌های محمد قزوینی به محمدعلی فروغی و اقبال آشتیانی منتشر شد

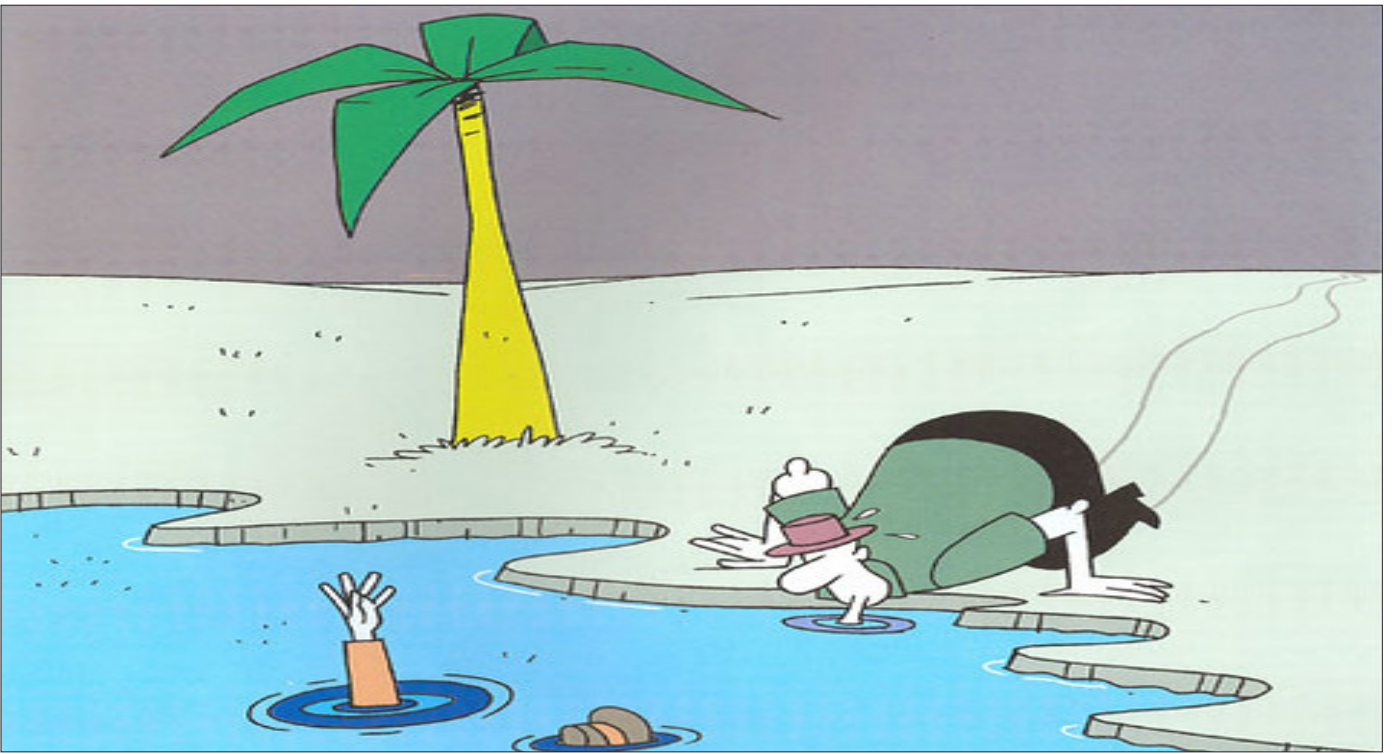
کتاب «نامه‌های محمد قزوینی به محمدعلی فروغی و عباس اقبال آشتیانی» با مقدمه و موخره احمد مهدوی دامغانی و به کوشش زنده‌یاد ایرج افشار و نادر مطلبی کاشانی روانه بازار نشر شد. این کتاب شامل ۱۸ نامه از موحوم علامه محمد قزوینی به ذکاءالملک فروغی و عباس اقبال آشتیانی است که جز یک مورد، همگی برای نخستین بار چاپ و منتشر می‌شود، به انضمام نامه‌ای از ذکاءالملک فروغی به محمد قزوینی.

نادر مطلبی کاشانی در باره این کتاب نوشته است: نامه‌های مربوط به مرحوم عباس اقبال – که شامل ۹ نامه است – سال‌ها پیش توسط استاد ایرج افشار در اختیار من قرار گرفت تا در این مجموعه و در کنار دیگر نامه‌های تازه‌یاب مرحوم قزوینی منتشر شود که متأسفانه چاپ آن‌ها تاکنون به تعویق افتاد.

دکتر احمد مهدوی دامغانی هم در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، آورده است: «به راستی این نامه‌ها «غم‌نامه یا رنج‌نامه» است و هر خواننده رقیق‌القلب و نازکدل را که به علم و ادب دلیستگی داشته باشد، سخت متأثر می‌سازد. این بنده «نامه‌های قزوینی به فروغی» را «غم‌نامه» یا «رنج‌نامه» شمرده‌ام و من بنده یقین دارد که بسیاری از خوانندگان با احساس فاضل در هنگام خواندن این نامه‌ها به همین حزن و اندوه و اسفی که این ناچیز به آن مبتلی شد، مبتلی خواهند گشت و چه بسا چون آق حقیر اشکشان بر چهره‌شان بریزد که بخوانند و بدانند که علامه قزوینی با چه گرفتاری و خون جگری زندگی خود و زن و فرزندش را اداره می‌کرده است و در عین حال آن همه اثر نفیس و شریف ادبی و تاریخی از خود به یادگار گذاشته است.»

نامه‌های این کتاب که اغلب طرح مسائل شخصی و خصوصی مانند گرفتاری‌های مادی، سختی زندگی در اروپا بعد از جنگ جهانی اول، ازدواج، وضعیت کارهای علمی، تصحیح جهانگشایی

گردش روزگار برعکس است



گوش ترحمی کو کز ما نظر نبوشد / دست غریق، یعنی فریاد بی صداییم (بیدل دهلوی)

طرح: DEMIRCI Hicabi / ترکیه

با کاروان حله / اخبار هنر

هفته فرهنگی سیستان در خانه هنرمندان

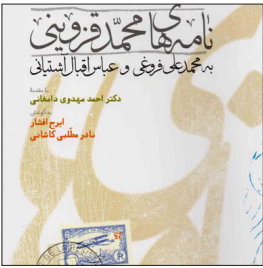


هفته فرهنگی سیستان از ۱۷ تا ۲۰مهر در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. به گزارش روابط عمومی خانه هنرمندان ایران، هفته فرهنگی سیستان از ۱۷ تا ۲۰ مهر ماه با برگزاری برنامه‌های مختلف فرهنگی و هنری در قالب موسیقی، هنرهای تجسمی، نشست‌های ادبی و هنری و… در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. آیین افتتاح هفته فرهنگی سیستان با اجرای موسیقی محلی در فضای باز خانه هنرمندان ایران جمعه ۱۷ مهر از ساعت

۱۷ با سخنرانی «محمدسریر» رئیس شورای عالی خانه هنرمندان ایران، «مجید سرسنگی» مدیرعامل خانه هنرمندان ایران و «حسین مسگرانی» مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان برگزار می‌شود. در این روز همچنین نمایشگاهی از آثار تجسمی هنرمندان سیستانی در نگارخانه استادمیز خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود. هفته فرهنگی سیستان از ۱۷ تا ۲۰مهر ماه با اجرای موسیقی محلی و برنامه‌های مختلف فرهنگی و هنری در خانه هنرمندان ایران دایر است. استان سیستان و بلوچستان از نظر هنری یکی از غنی‌ترین استان‌های ایران است اما متأسفانه محرومیت این استان و مشکلات اقتصادی مردم این منطقه در کنار نبودن از پایتخت سبب شده اغلب مردم کشور شناخت چندانی از این خطه عمند ایران نداشته باشند. موسیقی بی نظیر، صنایع دستی شگفت‌انگیز و ادبیات فولکلور بی‌بدیل از مهم‌ترین ویژگی های استان سیستان و بلوچستان است. قطعاً برگزاری برنامه‌هایی از جنس هفته فرهنگی سیستان در خانه هنرمندان از یک سوبه شناخت هرچه بیشتر ما از موسیقی، صنایع دستی، زبان و ادبیات مردم این منطقه منجر می‌شود و از سوی دیگر به رونق اقتصادی این منطقه یاری خواهد رساند.

کی باشد و کی باشد و کی باشد و کی؟
می باشد و می باشد و می باشد و می
من باشم و من باشم و من باشم و من
وی باشد و وی باشد و وی باشد و وی
(مولانا جلال الدین محد بلخی، قرن هفتم، رباعیات)

سوت بان



نامه‌های محمد قزوینی (به محمدعلی فروغی و عباس اقبال آشتیانی) با مقدمه احمد مهدوی دامغانی به کوشش ایرج افشار / نادر مطلبی کاشانی انتشارات طهوری شمارگان: هزار و صد نسخه قیمت: ۲۰ هزار تومان صفحه ۱۷۱

فتنه‌ای که «شیطان میان من و برادرانم آشوبی افکند و آن را خلل‌پذیر کرد.

این کتاب در آستانه ۱۶ مهر (زادروز استاد ایرج افشار) منتشر شده است. اصل نامه‌های این کتاب که جزه اسناد فرزند محمدعلی فروغی بوده است، در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نگهداری می‌شود.